

## تحلیلی بر نقش زنان روستایی در توسعه روستا

فاطمه کاظمیه، حبیبه سعادت، طاهره سعادت

استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز

کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز

کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز

### چکیده

زنان روستایی به عنوان عضوی از جامعه روستایی نقش اساسی در فعالیتهای روستایی بر عهده دارند. در گذشته زنان بیشتر در امور کشاورزی فعالیت می کردند ولی امروزه با گسترش سطح سواد در بین زنان روستایی حیطه فعالیت آنان نیز گسترش یافته است و جایگاه زن در مبحث توسعه به عنوان موضوعی اساسی مطرح گردیده است. زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور در عرصه زندگی، به اشکال مختلف نقش موثری در رفاه اقتصادی خانواده و جامعه ایفا می کنند. زنان نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه ای هستند، بلکه عامل پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز به شمار می آیند. این منبع انسانی مهم و به کار گرفتن صحیح و مطلوب آن نه تنها نیل به اهداف توسعه را آسانتر می کند، بلکه از نظر تحقق هدفهای توزیع عادلانه تر درآمدها و افزایش رفاه و سطح زندگی خانواده ها تاثیرات مثبتی ایجاد خواهد کرد.

کلمات کلیدی: اشتغال زنان، توسعه روستایی، زنان روستایی

**An analysis of the role of rural women in rural development**  
**Fatemeh Kazemiyeh<sup>1</sup>, Habebeh saadati, Tahere saadati**  
Assistant Professor, Faculty of Agriculture, Tabriz University  
<sup>1</sup>Master of Rural Development, Faculty of Agriculture, Tabriz University

'Master of Rural Development, Faculty of Agriculture, Tabriz University

Email: ths6764@gmail.com'

### Abstract

Rural women as a member of the rural community play a key role in rural activities. In the past, more women In agriculture, however, today, with the expansion of literacy among rural women, their activities have also expanded, and women's position on development has been raised as a major issue. As half of the country's population in terms of life, women play different roles in the economic well-being of the family and society. Women are not only the subject and purpose of any kind of development, but also act as advancement of the goals of economic and social development. This important human resource and its proper utilization will not only facilitate the achievement of development goals, but will also produce positive effects in terms of achieving more equitable distribution of income and increasing the welfare and living standards of families.

**Keywords:** women's employment, rural development, rural women



#### مقدمه

زنان روستایی به عنوان رکنی از واحدهای تولیدی مطرح و ساختار اقتصادی جوامع بدون تلاش و فعالیت آنان تصویری دور از ذهن بشمار می‌رود. در واقع نقش زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی و توسعه روستایی واقعیتهای انکارناپذیر است اما به دلایل مختلف، نقش تعیین کننده آنان تاکنون در فرآیند توسعه روستایی چندان به حساب نمی آمده است.

#### توسعه

برداشت مشترک از مفهوم توسعه حاکی از این است که هدف اساسی توسعه، رشد و تعالی همه جانبه جوامع انسانی است و از این رو شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی و نیازها و تقاضاهای آنان در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات اساسی در مسیر پیشرفت و توسعه تلقی می شود. از آنجا که روستاها و مردم ساکن در آنها دارای شرایط، امکانات و مسائل خاص خود هستند، بنابراین توسعه روستایی ضرورت و توجیه پیدا می کند. (حسن زاده دلیر، ۱۳۸۰).

#### توسعه روستایی

در تعریف توسعه روستایی آمده است؛ فرایند همه جانبه و پایداری است که در چارچوب آن «توانایی های اجتماعات روستایی» در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی و کنترل مؤثر بر نیروهای شکل دهنده نظام حکومت محلی (اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی) رشد و تعالی می یابد، ولی با توجه به وجود فقر مطلق و گسترده در روستاهای مناطق مختلف جهان، یعنی جمعیت زیادی که در تأمین نیازهای اساسی و حداقل خود با مشکل مواجه اند، توسعه روستایی و برنامه های آن در سطح جهانی و در عمل بیشتر متوجه فقرزدایی و تأمین نیاز های اولیه ای اساسی فقرا است. در همین راستا است که رابرت چمبرز، از صاحب نظران توسعه روستایی، معتقد است که توسعه روستایی راهبردی است برای توانمندسازی گروه خاصی از مردم شامل زنان و مردان فقیر، و توسعه روستایی باید این گروه را وادار سازد تا آنچه را که مورد نیاز خود و فرزندان شان است تأمین نمایند، کمک کردن به فقیرترین گروه های روستایی تا بتوانند از منابع توسعه حداکثر استفاده را ببرند. (شهبازی، ۱۳۷۶). همچنین از دیدگاه بانک جهانی، توسعه روستایی، راهبردی است که به منظور بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی گروه خاصی از مردم یعنی روستاییان فقیر طراحی شده است. این فرایند شامل گسترش منافع در بین اقشاری است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند. این گروه شامل کشاورزان خرده پا، کشاورزان بی زمین و خوش نشینان روستایی است.

#### روستا و ترکیب جنسی:

در ایران برخلاف ممالک اروپای و کشورهای سوسیالیستی، مرد و زن از لحاظ اقتصادی از ارزش یکسانی برخوردار نیستند. این موضوع مولود ارج نهادن به مقام زن در جامعه اسلامی به منظور تربیت فرزندان صالح و ایجاد محیط مناسب در کانون خانوادگی است. تعیین نسبت های جنسی بین زن و مرد در شهر و روستا از این لحاظ در جغرافیای جمعیت روستایی اهمیت دارد که می توان به کمک آن به میزان فعالیت پی برد. با توجه به شرایط اجتماعی و عوامل داخلی و خارجی، نسبت جنسی در ایران تغییراتی را نشان می دهد. یکی از مهمترین عوامل این تغییرات در گروه های سنی خاص می تواند مهاجرت های مردان روستایی به شهرها باشد. بررسی ها نشان می دهد تا گروه سنی ۲۰-۲۴ پیوسته نسبت مردها در جامعه روستایی بیشتر از زنان می باشد که شاید علاقه به داشتن فرزند پسر و مراقبت از پسران در دوران کودکی و اشاعه زن پسرزایی (تقویت و حمایت زنان پسرزا) از جمله دلایل فزونی این گروه های سنی باشد. داشتن فرزند پسر در روستا مهم است. به این دلیل که پسر در جامعه روستایی یک سرمایه تلقی می شود و هر چه تعداد فرزند پسر بیشتر باشد به وجهه اجتماعی و توان اقتصادی خانواده افزوده می گردد. در گروه های سنی ۲۵-۲۹ تا ۵۰-۵۴، برتری نسبت جنسی، در جمعیت شهری به چشم می خورد و این یعنی فزونی تعداد زن ها بر مردها در جامعه روستایی که دلیل آن مهاجرت مردان مجرد به شهرها و احتمال بازنگشتن آنها می باشد. باز مجدداً از گروه سنی ۵۵-۵۹ به بالا، نسبت جنسی به نفع مردها در جامعه روستایی مشاهده می گردد، که دلایل متعددی دارد و احتمالاً این دلیل در همه جای ایران مصداق ندارد؛ زیرا زایمانهای مکرر، نبود و یا کمبود بهداشت در هنگام بارداری و زایمان و عدم تغذیه کافی برای زن ها و مشکلات فراوان زندگی مثل خانه داری، بچه داری، کار در مزرعه، صنایع دستی و حاکمیت مردان در جامعه و محیط

روستایی، جملگی از عوامل کاهش عمر زنان و در نتیجه بالا آمدن نسبت جنسی به نفع مردها می باشد؛ مثلاً ملاحظه می شود که در جامعه روستایی مقابل هر صد زن در سن ۶۵ سال به بالا، ۱۳۵ مرد وجود دارد (مه‌دوی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰).

#### برنامه های توسعه و زنان روستایی:

از آنجا که بخش بزرگی از جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می کنند، توسعه روستاها بخش اجتناب ناپذیر توسعه ملی است. اما در عین حال پدیده مذکور دارای جنبه های متعددی است که تماماً می بایست در یک قالب واحد سنجیده شود. از عوامل مهم دستیابی به توسعه، برخورداری از نیروهای محرکه یعنی سرمایه، نیروی کار وغیره می باشد. لذا به دلیل کمبود سرمایه و تراکم بالای جمعیتی در روستاهای کشور، تأکید بر بهره برداری بهینه از نیروهای محرکه موجود عاقلانه ترین راه رسیدن به هدف توسعه همه جانبه و یکپارچه می باشد. در این راستا زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند غالباً از دید سیاستگذاران توسعه پنهان بوده و توجه بیشتری را می طلبند. همچنین نسبت فعالیت زنان از نقطه ای به نقطه دیگر بر حسب ملاحظات جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می کند و در هر گوشه ای از کشور بر حسب شرایط گوناگون محیطی شکل و میزان مشارکت زنان در امور مختلف تفاوت دارد. لذا اتخاذ روش ناحیه ای می تواند در تفکیک مناطق همگن ما را یاری داده و تعمیم نتایج را به مناطق مشابه ممکن سازد. با توجه به این که توسعه فرایندی است که مستلزم تغییر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی می باشد، در نوشتار حاضر به اختصار فاکتورهایی از عوامل مذکور انتخاب و اثرات آنها بر وضعیت اشتغال زنان مورد بررسی قرار گرفت. الگوی توسعه در دهه ۱۹۵۰-۶۰ عمدتاً بر افزایش منابع مادی و رشد اقتصادی متمرکز بود و توجه چندانی به جنبه های غیر مادی توسعه به ویژه انسان و منابع انسانی به عنوان هدف و عامل اصلی توسعه نداشت. اجرای این الگو در تعدادی از کشورهای جهان سوم به سرعت نارسایی های خود را برای جبران عقب ماندگی ها و توسعه نیافتگی های انسانی نشان داد. به تدریج الگوهای جدیدی از توسعه مطرح شد که در آن نه تنها رشد متغیرهای اقتصادی بلکه جنبه های کیفی زندگی، توسعه منابع انسانی، در هم تنیدگی و جامعیت، توازن و اخیراً پایداری هم مورد توجه قرار گرفته است. در الگوی اخیر توسعه، مفاهیم جدیدی مانند تعالی انسان، کاهش نابرابری های جنسیتی، نژادی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی به ویژه مشارکت موثر و دستیابی بیشتر و متعادل تر انسان ها بر منابع در اولویت قرار گرفته است. در الگوهای قبلی توسعه، مردان محور اصلی برنامه ها و طرح ها بوده و زنان کمتر مورد توجه بودند. در سال های اخیر جایگاه تعیین کننده زنان در اغلب برنامه های توسعه مورد توجه قرار گرفته است (بلومبرگ، ۱۹۸۱). اعلام سال جهانی زن (۱۹۷۵) و دهه زن از طرف سازمان ملل متحد توجه جهانیان را بیش از پیش به نقش زنان در روند توسعه جلب کرد. کنگره نایروبی با موضوع «استراتژی آینده برای پیشرفت زنان» در پایان دهه زن برگزار شد (سازمان ملل، ۱۹۸۵). اما بیشتر به نقش باروری، پرورش نیروی انسانی، بهداشت و رفاه خانواده پرداخت و به نقش و سهم زنان در تولید توجه چندانی نشد. کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی در سال ۱۹۷۹ در رم (فنی، ۱۳۷۶) مشارکت برابر زنان و مردان در توسعه روستایی را مورد تأکید قرار داد. گزارش بررسی جهانی در سال ۱۹۸۴ نشان داد که تا بیش از این، هیچ کشور توسعه یافته ای در برنامه توسعه بخش کشاورزی خود، زنان روستایی را در نظر نداشته است. ولی از سال ۱۹۸۵ تغییرات اساسی در این کشورها رخ داد (شادی طلب، ۱۳۷۴). در گزارش سال های ۹۴-۱۹۹۰ توسعه انسانی سازمان ملل متحد آمده است: عموماً قوانین به نفع زنان نبوده، آنان از حق مالکیت زمین، اخذ وام های مورد نیاز، انعقاد قرارداد و دخالت در تصمیم گیری محرومند (امیری، ۱۳۷۴). این گزارش در جایی دیگر از زنان به عنوان بزرگ ترین گروه محروم جهان نام برده است. سازمان خواروبار جهانی (فائو) در نوامبر ۱۹۹۹ برای حضور فعال زنان روستایی و مشارکت آنان در توسعه ضمن ارائه یک برنامه کاری برای کشورهای در حال توسعه، حمایت از زنان را نه تنها به خاطر ایفای نقش های مهمی همچون مادری، همسری و مدیریت خانواده، بلکه علاوه بر آن به خاطر سهم قابل ملاحظه آنان در تولید کشاورزی مورد تأکید قرار داده است. با این حال هنوز جنسیت ملاک بسیاری از تفاوت ها محسوب می شود (شادی طلب، ۱۳۷۴).

<sup>1</sup> Blumberg





زنان روستایی در بعضی جوامع به عنوان اولین مدیران منابع طبیعی و اولین نگهداران طبیعی محیط قلمداد می‌شوند. میشرا<sup>۱</sup> معتقد است که زنان روستایی در مقایسه با مردان و نقش پرورشی آنها در نزدیکی به محیط و طبیعت تعامل بیشتری با محیط نشان می‌دهند. آنها برای جلوگیری از تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی باید فعالیت بیشتری برای جمع‌آوری سوخت و سایر مایحتاجی داشته باشند که معمولاً از صحنه طبیعت تأمین می‌شوند. زنان روستایی می‌توانند در جلوگیری از تولید زباله و آلودگی محیط، نقش در خور توجهی ایفا کنند (آزادی و کرمی، ۱۳۷۶).

### جایگاه مهم زنان روستایی

زنان روستایی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نقش و جایگاه مهمی دارند که در شکل‌تولید محصولات، مراقبت از دام، تأمین غذا، آب و سوخت برای خانواده، و همکاری در فعالیت‌های بیرون از زمین و زراعت به منظور تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی خانواده نمود می‌یابد. به علاوه، زنان روستایی بخش عمده مسئولیت مراقبت از کودکان، سالمندان و اعضای بیمار خانواده را نیز به عهده دارند. زنان و دختران روستایی به طرق مختلف نقشی فعال در اقتصاد ملی و محلی دارند؛ به عنوان مثال بوسیله حمل غذا، آب و سوخت خانواده، مراقبت از بیماران، مدیریت دام و کار در مزرعه. با این وجود، زنان، در زمان بحران‌های غذایی و اقتصادی همانند بحران سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۶ و نیز قیمت بالای مواد غذایی در عصر حاضر که انتظار می‌رود در کل دنیا ده سال ادامه داشته باشد، گروهی آسیب‌پذیر به شمار می‌روند. این آسیب‌پذیری، به دلیل نقش جدی که زنان در مقیاس روزانه به عهده دارند، دو برابر می‌شود. از سوی دیگر، افزایش قیمت غذا بیشتر از همه به افراد فقیر در نواحی روستایی لطمه می‌زند؛ زیرا آنها کمتر از سایرین به منابعی همچون اعتبار بانکی، وام، پس انداز، تکنولوژی و تأسیسات زیربنایی دسترسی دارند. در چنین شرایطی، زنان بیشتر مستعد از دست‌دادن دارایی‌های خود هستند؛ زیرا انتظار می‌رود فروش جواهرات یا دام‌های کوچک، آسان‌تر از دارایی‌های معمول مردانه همچون زمین یا دام‌های کلان‌قابل‌جایگزین باشد. سایر روش‌های متداولی که زنان برای مقابله با قیمت‌های بالا اتخاذ می‌کنند، از نوعی هستند که زنان و کودکان را بیشتر از مردان تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ آنها سعی می‌کنند کمتر بخورند تا مردان و کودکان بتوانند تغذیه بهتری داشته باشند؛ آنها مسئولیت مراقبت از بیماران در خانه را برعهده می‌گیرند؛ هزینه‌های مربوط به موارد غیرغذایی همچون تحصیلات و مراقبت‌های بهداشتی را کاهش می‌دهند؛ برای غذای کمتر با ارزش تغذیه‌ای پایین‌تر، پول خرج می‌کنند؛ برای تغذیه خانواده بر قرض گرفتن تکیه می‌کنند؛ و برای به دست آوردن پول بیشتر، کار بیشتری انجام می‌دهند. بر همین اساس لازم است حتی به مناسبت چنین روزهایی، به زنان روستایی بیشتر توجه شود، تا هم هر روز شاهد کاهش تعداد آنان و ترک بدون بازگشت روستا توسط دختران جوان به بهانه کار و تحصیل نباشیم و هم سهم عظیم و مؤثر این زنان در گردش چرخ اقتصاد کشور و تولیدات بومی نادیده گرفته نشده و کاهش نیابد.

### نقش تولیدی زنان روستایی

پیش از اصلاحات ارضی مشارکت زنان در مجموعه نیروی کار کشاورزی خانوار محسوس بود. اگر توان زراعی خانوار کم بود نیروی کار زن خانوار در مزارع دیگران به خصوص زمین‌های اربابی صرف می‌شد. در جریان اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ زمینی به زنان واگذار نشد اما استفاده از نیروی کار زنان به صورت ارزان و حاشیه‌ای همچنان ادامه یافت. با ورود تکنولوژی جدید و مکانیزه شدن کشاورزی حضور زنان در بعضی از فعالیت‌های کشاورزی کاهش یافت. به نظر می‌رسد افزایش مکانیزاسیون و تخصص در فعالیت‌های کشاورزی باعث شده است که زنان شاغل در جامعه روستایی و بخش کشاورزی جذب امور خانگی شوند و در نتیجه پایگاه اجتماعی آنان تضعیف شود به عبارت دیگر کاربرد تکنیک‌های جدید، پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متعددی در نقش تولیدی زنان روستایی داشته است. با این حال میزان مشارکت زنان در مراحل گوناگون تولید برای همه محصولات یکسان نبوده و متناسب شرایط و روش‌های تولید، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در آنها مشاهده می‌شود. مثلاً در مزارع تجاری که محصولات نقدی تولید می‌کنند از زنان به عنوان کارگران روزمزد

<sup>۲</sup>Mishra

استفاده می شود. اما در کشت محصولات کاربر مانند برنج، چغندر قند و انواع سبزیجات نقش تولیدی زنان همچنان به قوت خود باقی است اما در کشت محصولاتی مانند گندم و جو که استفاده از ماشین آلات کشاورزی در مراحل گوناگون تولید نسبت به سایر محصولات بیشتر است، مشارکت نیروی کار زنان کاهش یافته است (لهسایی زاده ۱۳۷۴).

### اشتغال زنان در صنایع دستی

توسعه فعالیتهای اقتصاد غیرزراعی روستایی به دلیل اهمیت روز افزون آن به عنوان منبع درآمد و اشتغال مناسب زنان روستایی در سراسر جهان در حال توسعه است. (Haggblade et al, 2010) بنابراین، گسترش متوازن فعالیتهای غیرزراعی روستایی از یک سو میتواند افزایش تولیدات روستایی، ایجاد فرصتهای شغلی جدید، افزایش بهره‌وری نیروی کار اضافی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند مناسب با بخش کشاورزی را به دنبال داشته باشد (Radpear, 2008) از سوی دیگر، فعالیتهای غیرزراعی مانند صنایع دستی به عنوان های اقتصادی و ان یک منبع درآمد مناسب یکی از زمینه درآمد می‌توانند به درآمدزا در مناطق روستایی است که مکمل بخش کشاورزی بوده و خانوارهای روستایی به ان متکی بوده و بر مشکلات مربوط به اشتغال زراعی مانند بیکاری فصلی فائق آیند (NAPC, 2008) صنایع دستی با استفاده از تواند منابع محلی، کاهش وابستگی روستاییان به شهرها را در پی دارد و می اختلاف سطح زندگی در نواحی شهر و روستا را کاهش دهد (Walkers, 2007) دیگر از مزیت صنایع دستی در روستاها، میتوان به گسترش فعالیت های اقتصاد های بخش غیرکشاورزی، تقویت پایه مراکز روستایی، استفاده کامل از مهارتهای موجود، فرآوری تولیدات کشاورزی محلی، جلوگیری از مهاجرت های روستایی و حداکثر استفاده از توان محلی زنان روستایی اشاره نمود (مهندسین مشاور راهور، همچنین ۱۳۸۵) از صنایع دستی میتوان به عنوان ابزاری مناسب برای متنوع کردن اقتصاد روستایی، افزایش درآمدها، متعادل کردن سطح زندگی روستاییان و زمین ساز دستیابی به توسعه پایدار یاد کرد. کنیتزینگر در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه اشتغال در بخش غیرزراعی و صنایع دستی دریافت آموزش مناسب در این زمینه است و تعداد بچه و سن زیاد به عنوان موانع توسعه اشتغال مرتبط با صنایع دستی است ۱۹۹۶ Kinitzinger های لئوناردو در بررسی دریافت خود که بین نگرش زنان روستایی نسبت به اشتغال در فعالیتهای غیرزراعی با میزان تحصیلات آنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. زنانی که میزان تحصیلات بالاتری برخوردارند نگرش، مساعدتری نسبت به فعالیت های غیرزراعی دارد (Leonard ۲۰۰۱). در یک جمع توان گفت که اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی از جنبه همچون درآمدزایی، کارآفرینی و تقویت نظام دانش محلی و اشاعه فرهنگ روستایی اهمیت دارد همچنین، به دلیل محدودیتهای توسعه کشاورزی، روی آوردن به فعالیتهای غیرزراعی مانند صنایع دستی ضروری است. از آنجایی که زنان روستایی به عنوان کسانی که میتوانند اشکال مختلف بخش صنایع دستی را تحت قرار د تأثیر هند و نقش بسیار مهمی در توسعه و پیشرفت این بخش داشته باشند، ضروری است در وهله ی اول به بررسی موانع اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی پرداخته شود تا بتوان براساس نظرات برنامه ریزی دقیق و اصولیتری برای بسط و گسترش این رویکرد در سطح جامعه انجام داد.

### توانمندسازی و زنان روستایی

تعاریف و تفسیرهای متفاوتی از توانمندسازی ارائه شده است که بسیاری از آنها با یکدیگر مشابهاند. توانمندسازی معادل لاتین Empowerment، به معنای کسب قدرت یا واگذاری انجام کاری خاص به منظور دستیابی به هدف مشخصی است. بنابراین توانمندسازی عبارت است از؛ کسب قابلیت‌هایی که طی آن فرد و جامعه توانایی کنترل یا تأثیرگذاری بر نیروهای تعیین کننده خود را به دست می‌آورند (شاطریان، ۱۳۸۹: ۱۳۶) عدهای دیگر توانمندسازی را نوعی استراتژی مدیریتی برای تسهیم قدرت تصمیم‌گیری میدانند (۴۹: ۱۹۹۲)، Lawle Bowen در برنامه‌های جدید توسعه روستایی، توانمندسازی روستایی به معنای فرآیند گسترش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود برای مشارکت در گفتگو، مذاکره و تحت نفوذ و کنترل درآوردن نهادها و سازمان‌هایی است که در زندگی جوامع روستایی تأثیر دارند و به معنای فرآیند افزایش قدرت چانه‌زنی مردم با مؤسسات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی که عملکرد آنها بر زندگی مردم تأثیر دارد و بر دو اصل مهم توانمندسازی و فقرزدایی تأکید می‌کند (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). یکی از راههای دستیابی به توسعه و توانمندسازی روستاها، مطالعه

فعالیت‌های زنان روستایی در عرصه‌های گوناگون می‌باشد. چرا که امروزه نیمی از جمعیت روستاها را زنان تشکیل می‌دهند. با این همه هنوز زنان روستایی جایگاه خود را در ایران و همچنین بیشتر کشورهای جهان به ویژه در حال توسعه به عنوان افراد فعال و برخوردار از استعداد مشارکت در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست نیاورده‌اند و کماکان فعالیت‌های زنان روستایی در محاسبات اقتصادی مد نظر قرار نمی‌گیرد و از آنان به عنوان نیروی کار نامرئی یاد می‌شود. زنان نیروی عمده برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستا و افزایش هرچه بیشتر نرخ رشد تولید محصولات غذایی هستند (انوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸). بنابراین با توجه به نقش و اهمیت جایگاه زنان در توسعه، توانمندسازی آنان به عنوان رویکرد و راهبردی نوین مد نظر قرار گرفته است و توانمندسازی زنان به این معنی است که کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند، به استعدادهای خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواریها را داشته باشند و در رفع آنها بکوشند، اهداف خود را بشناسند و با افزایش توانمندی خویش به اهداف مورد نظر دست یابند (WCED ۱۹۸۷: ۱۰؛ فرخی، ۱۳۷۶: ۷۶). سازمان ملل متحد نیز در بحث توانمندسازی زنان به عواملی چون: حق تصمیم‌گیری، دسترسی به منابع و فرصت‌های برابر و توانایی برای تاثیر گذاشتن بر تغییرات اجتماعی، اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی تأکید می‌کند و عقیده دارد برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله زیر را طی کرد از جمله:

- ایجاد رفاه نسبی: در این مرحله، رفاه مادی زنان مانند تغذیه، درآمد و رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می‌گیرد.
- دسترسی به منابع: در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید مانند سرمایه و یا حتی آموزشهای مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد دسترسی داشته باشند.
- آگاهی: در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آنها ناشی از کمبودهای شخصیشان نیست بلکه نشات گرفته از نقشهای جنسیتی مربوط به فرهنگها است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن به برابری است.
- مشارکت: در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود و جامعه شرکت کنند و مشارکت آنها باید با شمار آنها در جامعه متناسب باشد.
- کنترل: در این مرحله، کنترل به معنی توازن قدرت بین زنان و مردان است (لانگه، ۱۳۷۲: ۲۴).

#### نتیجه

امروزه توسعه، تنها به معنای افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود تغذیه، و در یک کلام، رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی روستائیان تلقی نمی‌شود، بلکه توسعه یعنی بکارگیری تجربیات و اندوخته‌های مردم به منظور استفاده بهینه از منابع محلی و بارور ساختن آنها برای دستیابی به رفاه اجتماعی است. بنابراین مسیر توسعه، نه از کنار مردم، بلکه از درون مردم می‌گذرد و به مردم ختم می‌شود. در این میان نقش زنان روستایی، به‌عنوان اهرم‌های مهم، و نیروهای پیش‌برنده اساسی جامعه روستایی، سال‌هاست که در توسعه، به‌عنوان موضوعی بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته، و توجه جدی جهانیان را به خود جلب کرده و زمینه‌های لازم را برای توجه هرچه بیشتر به مسائل زنان فراهم آورده است. (علیائی، ۱۳۹۱).

ورود جریان توسعه به روستا تغییرات چندی را در فضای روستا و در ابعاد اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی ایجاد نموده است. این تغییرات اگر چه به همراه خود درآمد بالا، رفاه اجتماعی و سطوح تحصیلی و بهداشتی بالاتری ناخوشایندی را در شرایط اقتصادی و به تبع آن شرایط را به ارمغان می‌آورد، لیکن تأثیرات عمیق و بعضاً اجتماعی آنان بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر زنان روستایی تابع سنت‌های رایج در فرهنگ‌های محلی هستند که تقسیم کار سنتی و اجباری را بر زنان تحمیل کرده است. توزیع نابرابر قدرت، منابع و مسئولیت‌ها بین زن و مرد به وسیله سنت‌های کهن نهادینه شده است.

زنان روستایی وظایف و نقش‌های مختلف و متعددی بر عهده دارند: همسر، مادر، تولیدکننده محصولات زراعی، شریک در



فعالیت‌های دامداری، دخیل در امر کاشت، داشت، برداشت، فرآوری، بازاریابی، صنایع دستی و تهیه خوراک و غذا... که همگی شواهدی هستند که دلالت به نیازمندی به وجود زنان در جوامع روستایی می‌کنند. زنان روستایی به طور متوسط در روز چندین ساعت در فعالیت‌های کشاورزی و تولید صنایع دستی مشارکت دارند، و از این محل درآمد قابل توجهی به درآمد خانوار می‌افزایند. در حالی که درآمد زنان هرگز در آمارهای محلی محاسبه نگردیده و فعالیت آنان را در خانه داری خلاصه می‌نمایند در صورتی که زن روستایی یکی از اهرم‌های مهمی است که در صورت نبود او خانواده چه از نظر فعالیت در عرصه‌های اقتصادی و چه از نظر مسئولیت خانه داری دچار خسارت زیادی می‌شود به طوری که چرخه تولید و ادامه روند زندگی را در خانوارهای روستایی با مشکل مواجه می‌سازد. (علیانی، ۱۳۹۱). در کشور ما مشکلات فرهنگی ریشه در تفکرات کلیشه‌ای و پایین بودن قدرت اقتصادی زنان روستایی دارد و دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد باید سیاست‌هایی اتخاذ کنند که علاوه بر توجه به نقش زنان در تولید محصولات زراعی، دسترسی آنان را به منابع، اعتبارات مالی، فناوری، بازاریابی محصولات، آموزش و ترویج افزایش دهد.

پیشنهادها:

- ✓ برگزاری دوره‌های آموزشی علمی و کاربردی برای زنان و دختران روستایی جهت افزایش خودباوری آنان
- ✓ اشاعه یک باور جمعی و واقعی مبنی بر پذیرش قابلیت‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی به عنوان بخشی از سرمایه‌های انسانی جامعه، هم از سوی مردم، هم از سوی مسئولین و برنامه‌ریزان از طریق رسانه‌های گروهی
- ✓ تقویت سرمایه اجتماعی زنان روستایی با افزایش میزان اعتماد اجتماعی آنان، ارتقای آگاهی‌های آنان نسبت به حقوق، توانمندی‌ها و استعدادهای خود و مزایای مشارکت در جامعه از طریق آموزش و رسانه‌های گروهی و بسترسازی برای ایجاد و تقویت تشکلهای و نهادهای مدنی در روستا
- ✓ ارتقای فرهنگی جامعه به سوی پذیرش مشارکت همه‌جانبه زنان در فرایند توسعه روستایی - تدوین طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی بر اساس نیازها و اولویت‌های زنان روستایی و تشویق آنان به مشارکت در این طرح‌ها و رفع موانع قانونی و وضع قوانین حمایتی از زنان برای جلب مشارکت آنان در فرایند توسعه - تغییر دیدگاه دولت در نحوه‌ی مشارکت زنان روستایی در نهادهای مدنی در سطح روستاها
- ✓ تقویت منابع محلی از طریق تشویق زنان برای حضور در عرصه‌های مدیریتی روستا و فراهم نمودن زمینه‌های دستیابی زنان به تسهیلات مالی و اعتباری

منابع:

- انوری، سمیرا، ۱۳۹۱، توانمندسازی زنان روستایی در مدیریت ضایعات کشاورزی، خانگی و تولید ورمی کمپوست، ماهنامه بزرگر، سال سی و دوم، شماره ۱۰۷۰، صص ۳۲-۳۵
- آزادی، حسین و عزت‌الله کرمی (۱۳۷۶). زنان روستایی، توسعه و تکنولوژی نوین، فراتحلیل» مجموعه مقالات دومین کنگره - حسن زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۰). برنامه ریزی ناحیه ای. تهران: انتشارات سمت.
- رضوانی، محمد رضا، ۱۳۹۰، مقدمه‌های برنامه‌ریزی روستایی در ایران، چاپ چهارم، انتشارات سمت.
- شاطریان، محسن و گنجپور، محمود، ۱۳۸۹، تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها (مطالعه موردی: روستاهای بخش ابوزید آباد شهرستان کاشان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۳، ۱۳۱-۱۵۲. ص
- شهبازی، اسماعیل. (۱۳۷۶). توسعه و ترویج روستایی، دانشگاه تهران.
- فرخی، طاهره، ۱۳۷۶، نقش زنان در توسعه پایدار، تواناسازی زنان، ماهنامه تعاون، دوره جدید، شماره ۷۴، صص ۷۹-۷۶.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. ۱۳۷۴. «بررسی جامعه‌شناسی نقش زن در کشاورزی ایران» فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال سوم، ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی، بهار.



-لانگه ، سارا، ۱۳۷۲، معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران، تهران.  
-علیایی.محمد صادق، دهقان نیستانکی .مهدی، بررسی توانمند بهای اقتصادی زنان قالیباف تکاب اقشار و نقش آنان در توسعه روستایی  
، مطالعات توسعه اجتماعی ایران ، شماره اول ، سال پنجم ۱۳۹۱ .  
-مهدوی، مسعود ۱۳۸۳ " (مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران " جلد اول، انتشارات سمت.  
-مهندسین مشاور راهور، ( 1385 ) ، راهبردها و سیاست های توسعه روستایی در استان مرکزی، اراک :سازمان جهاد کشاورزی استان  
مرکزی، ص 14

Aly, Y. H., and Quisi, I.A., (1996), Determinants of women labor force participation in Kuwait: a logit analyses, The Middle East Business and Economic Review, Vol. 8, No. 2, 1-9.  
-Bowen, D.E. and Lawler, E.E., 1992, The Empowerment of Service Workers: What, Why, How and When?, Sloan Management Review, Vol. 31 spring, pp.31-9.  
-Haggblade, S., Hazell, P., Reardon, T., (2010), The Rural Non-farm Economy: Prospects for Growth and Poverty Reduction, www.elsevier.com/locate/worlddev, World Development Vol. 38, No. 10, pp. 1429-1441, 2010: Elsevier Ltd. All rights reserved 0305-750X/\$ - see front matter  
Radpear, G. (2008). Rural Planning (New Approach). London: Blackwell, 121.-  
-National Agricultural policy center (NAPC), (2008), Non-Agricultural Activities in Rural Areas, 124.  
-Walkers, V., (2007), Policy Innovation for Rural Sustainable Development, New York: USA Rural Policy Research Institute, 14.  
WCED., 1987, our common Future – Report of the World Commission on Policy in Europe , IEEP,p50.  
-  
-Lee, S., (2007), Diversification of the Rural Economy: A Case Study on Rural Industrialization in the Republic of Korea. Pyongyang: INSES, 26.  
-Leonard, M., (2001), Old win in new 130 tales? Women working inside and outside the household' women's studies, International forum, Vol. 24, No. 1, 67-87.  
[www.mehrkhane.com](http://www.mehrkhane.com)